کیهان

سه‌شنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۴ □ ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ □ ۱۴ اکتبر ۲۰۲۵ □ شماره ۲۳۹۷۸

صفحه آخر

اذان ظهر: ۱۱/۵۰، اذان مغرب: ۱۷/۴۸، نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۰۹، اذان صبح(فردا): ۴/۴۷، طلوع آفتاب(فردا): ۶/۱۱

مهاجران در ژاپن بیش از ژاپنی‌ها زاد و ولد می کنند

ژاپن شاهد آمار عجیبی بود که طبق آن ۲۰،۰۰۰ کودک از زوج‌های غیرژاپنی مستقر در این کشور متولد شده‌اند که بیش از ۳درصد از کل نوزادان را تشکیل می‌دهند.

روزنامه انگلیسی «گاردین» نوشت: «تعداد نوزادان متولد شده از والدین خارجی در ژاپن در سال ۲۰۲۴ به بالاترین حد خود رسید که نشان‌دهنده تغییرات جمعیتی سریعی است که مهاجرت را به مرکز بحث‌های سیاسی این کشور با فرهنگ و سنت خاص سوق داده است.» طبق اعلام وزارت بهداشت، بیش از ۲۰ هزار کودک از زوج‌های غیرژاپنی متولد شده‌اند که بیش از ۳درصد از کل نوزادان را تشکیل می‌دهند. به گفته متخصصان این موضوع در تضاد کامل با کاهش شدید در تعداد نوزادان متولد شده از والدین ژاپنی است. گفتنی است، ژاپن یکی از سریع‌ترین کشورهای جهان در حال پیر شدن است و برای افزایش نرخ زاد و ولد به سطح مورد نیاز برای حفظ جمعیت، که در حال حاضر حدود ۱۲۵ میلیون نفر است، درحال تلاش است.

سیدحسن نصرالله با اورانیوم ضعیف‌شده ترور شد!

طبق برخی از پژوهش‌های انجام شده، منطقه شهادت «حسن نصرالله» آلوده به مواد سمی بوده است و سید مقاومت با بمب‌های اورانیوم ضعیف‌شده به شهادت رسیده است!

آن‌طور که «مهر» نوشته است، «مصطفی شوقی»، تهیه‌کننده و مستندساز، درباره مستند اخیر خود گفت: «مژگان صوابی اصفهانی شخصیت بسیار معروفی در خارج از ایران است که در حوزه محیط‌زیستِ جنگ و آسیب‌های ناشی از حملات و بمباران‌ها در مناطق جنگی، تحقیقات دانشگاهی گسترده‌ای را در منطقه غرب آسیا انجام داده است.» او، با اشاره به کار مشترک با این کارشناس برجسته محیط‌زیست، افزود: «اوج کار ما مربوط به محل شهادت سیدحسن نصرالله و نیز هاشم صفی‌الدین بود. این ۲ منطقه در ضاحیه جنوبی بیروت به‌شدت آلوده بودند. بیش از ۵۰ نفر در آنجا به شهادت رسیده بودند و ساختمان‌های عظیمی ویران شده بود. در پایش اولیه، مقادیر بسیار زیادی اورانیوم ضعیف‌شده- که یک بمب بسیار سمی است- کشف شد.»

نگاه

غزه؛ نقطه عطفی در تاریخ روابط بین‌الملل

مترجم: سید محمد امین آبادی

آنچه طی دو سال در نوار غزه در جریان بود؛ صرفاً یک فاجعه انسانی نیست؛ بلکه جنایتی سیاسی با پیامدهای عمیق تاریخی و ژئوپلیتیکی است. این رویداد ضعف گفتمان بین‌المللی درباره حقوق بشر، صلح و امنیت را برملا کرده است، چرا که این سخنان هیچ تأثیری در توقف کشتارهای مداوم اسرائیل نداشته و نتوانسته مانع سیاست‌های این رژیم برای آوارگی اجباری فلسطینیان از غزه شود؛ سرزمینی که اکنون به یکی از بزرگ‌ترین قبرستان های روباز جهان تبدیل شده است.

با این حال، این نسل‌کشی وجدان‌های بیدار در سراسر جهان را نیز برانگیخته و الهام‌بخش دفاعی جمعی از انسانیت، عدالت و حق ملت‌ها برای تعیین سرنوشت خویش شده است. میلیون‌ها نفر در سراسر جهان صدای خود را علیه قتل‌عام مردان، زنان و کودکان در غزه و نابودی بخش بزرگی از زیرساخت‌های غیرنظامی این سرزمین بلند کرده‌اند. کشورهایی از جمله بریتانیا، فرانسه و کانادا، در کنار دیگران، به‌تازگی موجودیت کشور فلسطین را به رسمیت شناخته‌اند و بر ضرورت یافتن مسیری سیاسی واقعی برای همزیستی مسالمت‌آمیز تأکید کرده‌اند.

حتی برای کشورهایی که سال‌ها از اسرائیل حمایت کرده‌اند، نسل‌کشی در غزه دیگر قابل چشم‌پوشی نیست. آنچه در دو سال گذشته رخ داده، یکی از شنیع‌ترین جنایت‌ها علیه بشریت در دوران معاصر است. غیرنظامیان هدف قرار گرفته‌اند، کمک‌های انسانی مسدود شده و محله‌های زندگی مردم غزه به‌طور کامل از روی نقشه محو شده‌اند. از غذا به‌عنوان ابزاری برای نابودی استفاده شده و هزاران فلسطینی گرسنه در مراکز توزیع کمک‌ها به دست نیروهای اسرائیلی کشته شده‌اند.

اسرائیل آشکارا قوانین بین‌المللی بشردوستانه را نقض کرده و هنجارها و معاهدات جهانی را نادیده گرفته است؛ موضوعی که در گزارش‌های متعدد سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای مدافع حقوق بشر به روشنی مورد تأکید قرار گرفته است. این تجاوز بی‌رحمانه صرفاً یک تراژدی انسانی نیست؛ بلکه لحظه‌ای سرنوشت‌ساز در تاریخ روابط بین‌الملل است که بسیاری از کشورها را واداشته تا مواضع خود در قبال این مناقشه را بازنگری کنند و در عین حال این جنگ معیارهای دوگانه نهفته در نظام بین‌المللی را آشکار کرده است.

این وضعیت پرسش‌های مهمی را برمی‌انگیزد: چگونه می‌توان یاد قربانیان را زنده نگه داشت و جنایت‌های هولناک اسرائیل را به‌گونه‌ای مستند کرد که از تکرار آن‌ها جلوگیری شود؟ بررسی نسل‌کشی در غزه مجموعه‌ای از واقعیت‌ها و دگرگونی‌ها را در چشم‌انداز مناقشه اسرائیل و فلسطین آشکار می‌سازد. جنگ غزه و نسل‌کشی مردم فلسطین دروغ بودن ادعای ارتش اسرائیل مبنی بر «اخلاقی‌ترین ارتش جهان» را برملا کرد؛ چرا که استفاده بی‌رویه و غیرموجه از زور موجب مرگ بیش از ۶۷ هزار نفر در غزه شده است که نیمی از آنان زنان و کودکان بوده‌اند.

جنایت‌های دیگر اسرائیل همچنین شامل هدف قرار دادن بیمارستان‌ها، مراکز درمانی، پناهگاه‌ها و مدارس، و نیز بمباران خانه‌ها با ساکنان غیرنظامی در داخل آن‌ها بوده است. اسرائیل متهم به استفاده از سلاح‌های ممنوعه بین‌المللی است و محاصره خفه‌کننده‌ای که بر غزه تحمیل کرده، به گسترش گرسنگی و قحطی در سراسر این منطقه انجامیده است. در همین حال، جابه‌جایی اجباری فلسطینیان به مناطقی چون المواصی، که به‌دروغ «منطقه امن» نامیده شده، بحران را تشدید کرده است؛ زیرا هیچ ظرفیت محلی برای پذیرش این حجم عظیم از آوارگان وجود ندارد، آن‌هم در حالی که اسرائیل همچنان این منطقه را زیر آتش توپخانه دارد.

از منظر حقوق بشر و حقوق بین‌الملل، این نسل‌کشی معیارهای دوگانه بسیاری از کشورهایی را برملا کرده که مدعی پایبندی به این اصول هستند، اما همزمان با حمایت سیاسی و نظامی از اسرائیل، به تداوم همین نسل‌کشی یاری می‌رسانند. در سطح جهانی، مردم نسبت به نظم تثبیت‌شده بین‌المللی بی‌اعتماد شده‌اند؛ در غرب، فعالان مدنی خود دست به اعتراض زده و دولت‌هایشان را به تغییر مسیر واداشته‌اند. این روند یکی از عوامل اصلی موج اخیر شناسایی رسمی کشور فلسطین از سوی چند دولت بود.

همزمان شاهد شکل‌گیری ائتلاف‌های بین‌المللی تازه‌ای هستیم که نظم سنتی جهانی را به چالش می‌کشند و شاید آغازگر دوره‌ای از استقلال بیشتر در پایتخت‌های اروپایی باشند. دولت‌های اروپایی در حال دور شدن از همسویی کامل با چشم‌انداز آمریکا و اسرائیل هستند. چنین تحولی در نهایت می‌تواند به پایان دوران هژمونی آمریکا بینجامد.

ضروری است که یاد نسل‌کشی غزه در وجدان و آگاهی جمعی جهان حک شود تا اطمینان یابیم چنین جنایاتی هرگز تکرار نخواهد شد و فشار برای تحقق عدالت به‌صورت پیوسته ادامه یابد. ما به مستندها و فیلم‌های سینمایی نیاز داریم که روایت‌های مستقیم قربانیان و شاهدان عینی را از نسل کشی غزه جاودانه کنند و این فاجعه‌ها را به زبانی انسانی روایت کنند تا دل و ذهن مردم سراسر جهان را درگیر سازند.

باید موزه‌هایی در داخل و خارج از غزه ایجاد شود تا جنایت‌های اسرائیل را ثبت کنند، ویرانی‌ها را به نمایش بگذارند و روایت قربانیان را بازگو نمایند. همچنین، مطالب آموزشی درباره مناقشه اسرائیل و فلسطین باید به‌طور جدی در برنامه‌های درسی مدارس جهان گنجانده شود تا نسل‌های آینده به اهمیت مبارزه با بی‌عدالتی آگاه شوند. همچنین باید روزی جهانی برای یادبود نسل‌کشی در غزه تعیین شود که به ابتکار سازمان ملل متحد برگزار گردد و در سراسر جهان با رویدادهای سیاسی و فرهنگی گرامی داشته شود.

گذشت دو سال از آغاز نسل‌کشی در غزه صرفاً گذر زمان نیست؛ بلکه فراخوانی فوری است برای پاسداشت حافظه انسانی به‌عنوان کنشی از مقاومت و قطب‌نمایی اخلاقی برای جهان. جنایات غزه - نابودی نظام‌مند وجود انسانی - باید در وجدان جمعی جهانی به‌عنوان یکی از سیاه‌ترین فصل‌های تاریخ بشر حک شود. این امر مستلزم فروپاشی همه تلاش‌ها برای توجیه یا عادی‌سازی جنایت‌های اسرائیل است. همچنین، نیازمند حمایت بی‌قید و شرط از دادگاه‌های بین‌المللی هستیم تا جنایت‌ها علیه بشریت از مصونیت سیاسی برخوردار نباشند؛ اقدامی برای پاسداری از ارزش‌ها و معیارهایی که پس از جنگ جهانی دوم برای حفظ صلح و امنیت جهانی بنیان گذاشته شد.

دو سال پس از آغاز نسل‌کشی غزه، بشریت در نقطه عطفی تاریخی ایستاده است. این وظیفه اخلاقی و سیاسی ماست که نظام بین‌المللی را بازسازی کنیم و نفوذ بی‌رویه قدرت‌های استعمارگر را از آن بزداییم. حق مردم فلسطین برای آزادی و استقلال ملی، حقی ذاتی و غیرقابل مذاکره است و باید به‌طور کامل همسنگ حقوق همه ملت‌های جهان به رسمیت شناخته شود. فراتر از بازسازی فیزیکی غزه، جهان باید متعهد شود که اجازه ندهد یاد این نسل‌کشی به فراموشی سپرده شود. باید پیمانی جدی برای جلوگیری از تکرار آن علیه هر ملت یا مردمی در هر نقطه جهان بسته شود. راه صلح از تضمین عدالت فراگیر، پایان اشغال و برپایی کشور فلسطین آغاز می‌شود. تنها در آن صورت است که می‌توان اطمینان یافت فریادهای غزه بیهوده نبودند، و قربانیان غیرنظامی آن نه اعدادی سرد و بی‌جان، بلکه تلنگر و زخمی بر وجدان بشریت در مسیر عدالتخواهی هستند.

منبع: میدل ایست آی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

معجزه مقاومت!

سرویس خارجی-

دیروز فلسطینی‌ها میوه ۲ سال مقاومت در برابر تجاوز سنگین و وحشیانه رژیم صهیونیستی، آمریکا و ناتو را که با حمایت‌های همه‌جانبه برخی کشورهای مرتجع عربی همراه بود، چیدند و آنها را وادار به آزادی ۲۰۰۰ اسیر خود در مقابل تحویل۲۰ اسیر زنده یا مُرده صهیونیست کردند!

«نابودی کامل حماس»، «تصاحب کامل غزه از طریق کوچاندن تمام ساکنان آن» و «آزادی تمام اُسرای صهیونیست طی عملیات‌های اطلاعاتی و نظامی»، ۳ هدف اعلامی و اصلی رژیم صهیونیستی از تجاوز به غزه بود که حدود ۲ سال پیش و همزمان با آغاز جنگ غزه اعلام شد. دیروز اما رژیم صهیونیستی پس از این که ۲ سال تمام توان خود و متحدان پیدا و پنهانش را به میدان آورد و تا توانست در غزه آدم‌کُشی کرد، به هیچ‌یک از این اهداف اعلامی خود نرسید و سر انجام وادار شد، با همین حماسی که قرار بود به طور کامل نابود شود، در شرم‌الشیخ دور یک میز بنشیند و...

دیروز مراسم تبادل اُسرا، با مدیریت ویژه رسانه‌ای حماس انجام شد. در حالی که نیروهای حماس با سلاح‌های آنچنانی در نقاط مختلف غزه به شکل خاصی مستقر شده بودند، ضمن تحویل گرفتن نزدیک به ۲۰۰۰ اسیر خود، ۲۰ اسیر زنده یا مُرده صهیونیست را تحویل دادند. این در حالی است که اکنون که در حال مطالعه این گزارش هستید، حماس، مسلح و پابرجاست، صهیونیست‌ها مرحله اول عقب‌نشینی از غزه را انجام داده‌اند، و ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار ساکن غزه- که ده‌ها هزار نفر از آنها در این ۲ سال مظلومانه به شهادت رسیده‌اند- هیچ‌جا کوچ نکرده‌اند. این همان معجزه مقاومت است. اینکه یک گروه کوچک، بتواند در متمرکزترین نقطه جهان به لحاظ جمعیت، با سلاح‌های ابتدائی، آمریکا، رژیم صهیونیستی، تمام کشورهای عضو ناتو و شیوخ مرتجع عربی را به همراه همه آن سلاح‌ها و تکنولوژی‌های مرگبارشان متوقف و وادار به معامله کند، معجزه نیست؟! اینکه ۲۰۰ هزار تُن انواع بمب و موشک بر این باریکه ریخته شود، غزه به طور کامل ویران گردد اما، مقاومت فلسطین همچنان پابرجا بماند- هرچند با تن زخمی- کم معجزه‌ای است؟ ضمن اینکه نتانیاهو دیروز اعتراف کرد ۲۰۰۰ نظامی خود را در این جنگ، از دست داده است! چند برابر این تعداد نیز دچار قطع عضو شده‌اند و این سوای از نظامیان صهیونیستی است که تحت مراقب روانشناسان در حال درمان هستند! چندی پیش منابع عبری اعلام کردند، اقتصاد رژیم صهیونیستی ۱۰۰ میلیارد دلار از کنار این جنگ، متحمل خسارت شده است و...

تایمز اسرائیل: فقط حماس می‌تواند

روزنامه عبری «تایمز اسرائیل» در واکنش به نمایش قدرت نیروهای مقاومت فلسطینی در غزه که با استقبال و شادی ساکنان غزه، همراه بود نوشت: «حضور مجدد نیروهای حماس در خیابان‌های غزه آن هم کمتر از ۲۴ ساعت پس از آغاز آتش‌بس نشان‌دهنده این واقعیت است که هیچ نیروی دیگری نمی‌تواند بر غزه حکومت کند... پس از صدور اعلامیه‌های پلیس و وزارت کشور حماس، نیروهای امنیتی این گروه در سراسر نوار غزه مستقر شده‌اند. حالا حماس مجدداً در تمام مناطقی که نیروهای اسرائیلی تخلیه کرده‌اند، کنترل امور را به دست گرفته و حتی حضور خود را تا خطوط عقب‌نشینی ارتش اسرائیل که محل استقرار سربازان [اسرائیلی] است، گسترش داده است... اگرچه بنیامین نتانیاهو اعلام کرده بود که به حماس یا تشکیلات خودگردان فلسطین اجازه نخواهد داد که در روز بعد از جنگ نقشی ایفا کنند، اما واقعیت چیز دیگری را نشان می‌دهد...»

فلسطین در محبوب‌ترین حالت

فقط چند روز پیش از عملیات ۷ اکتبر، «جیک سالیوان»، مشاور امنیت ملی کاخ‌سفید در دوران ریاست‌جمهوری «جو بایدن» در «فارن‌افرز» مقاله‌ای درباره «معماری جدید خاورمیانه» نوشت. او در این مقاله فلسطین را «مسئله‌ای تقریباً تمام شده» عنوان کرده بود. در این مقاله آمده بود که «رئیس‌جمهور سیاستش را برای خاورمیانه در سخنرانی‌ای مطرح کرد. رویکرد او، نظم و قاعده را به سیاست ایالات‌متحده برمی‌گرداند. روی بازدارندگی در مقابل تهاجم، کاهش تنش درگیری‌ها و یکپارچه‌کردن منطقه از طریق پروژه‌های زیرساختی مشترک و شراکت‌های جدید، از جمله بین اسرائیل و همسایگان عربش تأکید می‌کند [که] در حال ثمردادن هم هست... این رویکرد قاعده‌مند، منابع را برای دیگر اولویت‌های جهانی آزاد می‌کند، خطر درگیری‌های جدید [آمریکا] در خاورمیانه را کاهش می‌دهد و تضمین می‌کند که منافع ایالات‌متحده، به شکلی بسیار پایدارتر حفظ شده‌اند... در مواجهه با اصطکاک‌های جدی، ما سطح تنش بحران‌ها در غزه را پایین آورده‌ایم و دیپلماسی مستقیم بین دو طرف را بعد از سال‌ها فقدانش، احیا کرده‌ایم.» بدین ترتیب می‌توان گفت سیاستمداران آمریکایی نقشه‌ای با جزئیات کامل برای غرب آسیا در نظم نوین آینده داشتند و سعی کرده بودند تمام اجزای نقشه را با دقت کنار یکدیگر قرار دهند. اما همین حماس و همین مقاومت فلسطین، امروز با هزینه‌ای که دادند، مسئله فلسطین را به مهم‌ترین موضوع حال حاضر دنیا و افکار عمومی جهان تبدیل کرده‌اند. امروز دیگر کسی نمی‌تواند فلسطین را «تمام شده» و رژیم صهیونیستی را در اوج توصیف کند برعکس، خیلی‌ها معتقدند این رژیم اسرائیل است که تقریباً تمام شده و فلسطین تازه آغاز شده است. در این مدت تقریباً تمام کشورهای غربی فلسطین را به عنوان یک کشور به رسمیت شناخته‌اند و تظاهرات‌هایی در این دو سال در حمایت از فلسطین و محکومیت رژیم صهیونیستی برگزار شده است که، در نوع خود واقعاً بی‌نظیر است. در این مدت، ایتالیا، انگلیس، استرالیا، آمریکا و بسیاری از کشورهای دنیا که قبل از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ چه‌بسا نام فلسطین هم به گوششان نخورده بود، بزرگ‌ترین تظاهرات‌های ضدصهیونیستی تاریخ خود را تجربه کرده‌اند!!

جان مرشایمر: اسرائیل در حال باخت است

نظریه‌پرداز برجسته آمریکایی و دانشمند مشهور روابط بین‌الملل نیز با ما هم نظر است. او معتقد است امروز رژیم اسرائیل در حال باختن همه‌چیز خود است. جان مرشایمر می‌گوید: «کارزار اسرائیل در غزه ضعف و بن‌بست راهبردی را نشان داده؛ آنچه برای از بین بردن حماس آغاز شد، به یک فاجعه راهبردی بدل شده است و نشان می‌دهد با بمب نمی‌توان ملتی را تسلیم کرد. افکار عمومی در آمریکا در حال تغییر است؛ لابی صهیونیستی نمی‌تواند تا ابد روایت را کنترل کند، فساد و شکاف اجتماعی، از جنگ بیرونی خطرناک‌تر است؛ کشورها معمولاً از درون فرو می‌ریزند، نه از بیرون... سقوط واقعی اسرائیل از درون و با فروپاشی اخلاقی و راهبردی آغاز شده است...»

و همه این‌ها معجزه همان مقاومت است!

خطاب به رژیم صهیونیستی

یمن: انگشتمان هنوز روی ماشه است برگردید، بر می گردیم

سرویس خارجی-

عضو ارشد جنبش انصارالله یمن در اظهارنظری صریح خطاب به رژیم صهیونیستی اعلام کرد: «دست ما هنوز بر روی ماشه است؛ اگر شما بازگردید، ما نیز بازخواهیم گشت.»

در ماه‌های اخیر، رسانه‌های غربی با دقت و نگرانی ویژه‌ای تحولات مربوط به قدرت‌نمایی یمن در برابر رژیم آپارتاید اسرائیل را دنبال کرده‌اند. تحلیل‌های منتشرشده در نشریاتی چون The Guardian، Reuters و The Washington Post نشان می‌دهد که حتی ناظران نظامی غربی نیز دیگر توان یمن را تهدیدی نمادین یا محدود نمی‌دانند، بلکه آن را نیرویی واقعی با قابلیت تأثیرگذاری در موازنه قدرت منطقه‌ای ارزیابی می‌کنند. گزارش‌ها به روشنی حاکی از آن است که عملیات‌های دریایی و موشکی مقاومت یمن نه‌تنها مسیر تجارت جهانی را متأثر کرده، بلکه به طور مستقیم توان بازدارندگی اسرائیل و متحدانش را به چالش کشیده است. این واقعیت باعث شده تا حتی مقامات امنیتی در واشنگتن، لندن و تل‌آویو نیز تهدیدات صادرشده از سوی انصارالله را جدی گرفته و به دنبال راهکارهای دیپلماتیک یا نظامی برای مهار آن باشند.

رسانه‌های غربی در گزارش‌های تحلیلی خود به خلاقیت و انعطاف‌پذیری استراتژی‌های نظامی یمن نیز اشاره دارند. از پهپادهای دوربُرد با سامانه‌های هدایت بومی گرفته تا تاکتیک‌های نامتقارن دریایی در دریای سرخ، مقاومت یمن توانسته با امکانات محدود، الگویی جدید از جنگ مدرن در شرایط محاصره و فشار ایجاد کند. تحلیلگران نظامی غربی این توانایی را نشانه «تحول در الگوی مقاومت» در «خاورمیانه» می‌دانند، الگویی که بر پایه ابتکار، استقلال فنی و ایمان به آرمان شکل گرفته است. در نتیجه، لحن رسانه‌های غربی نسبت به یمن از تمسخر و نادیده‌انگاری در سال‌های ابتدائی جنگ، به نوعی احترام همراه با نگرانی تغییر کرده است، اعترافی ضمنی به این‌که معادلات قدرت در منطقه دیگر به شکل گذشته باقی نمانده‌اند. برخی رسانه‌های تحلیلی غربی همچون Foreign Policy و Al-Monitor نیز بر این نکته تأکید دارند که مقاومت یمن با عبور از مرحله دفاع صرف، به مرحله بازدارندگی فعال رسیده است. گزارش‌های آن‌ها نشان می‌دهد که انصارالله با ترکیب قدرت موشکی، پهپادی و اطلاعاتی خود، توانسته نوعی توازن جدید در برابر محور غربی- اسرائیلی ایجاد کند؛ توازنی که نه از طریق حمایت خارجی، بلکه بر پایه دانش بومی و انسجام داخلی شکل گرفته است. این منابع به‌ویژه به موفقیت یمن در ایجاد یک شبکه پیچیده شناسایی و عملیات دریایی اشاره دارند که توان آن را برای هدف‌گیری دقیق کشتی‌ها و زیرساخت‌های حیاتی دشمن افزایش داده است. در نتیجه، تحلیلگران غربی اکنون یمن را نه صرفاً بازیگری محلی، بلکه یکی از بازیگران تعیین‌کننده در معادله امنیت دریای سرخ و خلیج عدن می‌دانند؛ نیرویی که حضورش دیگر نمی‌تواند نادیده گرفته شود.

انگشتی که هنوز روی ماشه است!

آن‌طور که تسنیم نوشته است، «محمد البخیتی»، عضو ارشد جنبش انصارالله یمن، در اظهارنظری صریح خطاب به رژیم صهیونیستی اعلام کرد: «دست ما هنوز بر روی ماشه است، و اگر شما بازگردید، ما نیز بازخواهیم گشت. توان نظامی یمن- از موشک گرفته تا تفنگ- و همچنین تنگه استراتژیک باب‌المندب، دریای سرخ و دریای عرب، تحت حمایت و هماهنگی حماس و جهاد اسلامی قرار دارند.» البخیتی خطاب به اسرائیلی‌ها افزود: «انرژی خود را صرف جست‌وجو در تونل‌های غزه نکنید. ادامه ظلم و تجاوز به ملت فلسطین، هزینه انتقام‌های آینده را برای اسرائیل سنگین‌تر خواهد کرد.» پیش از این، «حزام‌الاسد»، عضو برجسته دفتر سیاسی جنبش انصارالله یمن، در گفت‌وگو با خبرگزاری «اسپوتنیک» گفته بود که اگر رژیم صهیونیستی به توافق آتش‌بس در نوار غزه پایبند باشد، نیروهای مسلح یمن عملیات‌های خود علیه سرزمین‌های اشغالی را متوقف خواهد کرد.

پیش‌تر روزنامه اقتصادی رژیم صهیونیستی در گزارشی نوشته بود که توافق برقرار شده برای توقف جنگ غزه هرگز بحران به وجود آمده در بندر اشغالی ایلات را که در محاصره یمن قرار دارد، حل‌وفصل نخواهد کرد و فعالیت‌ها در این بندر هرگز از سر گرفته نخواهند شد. روزنامه اقتصادی «کالکالیست» در گزارشی نوشت، فضای مثبت حاکم پس از توافق آتش‌بس در غزه بر شرایط موجود در بندر ایلات که از حدود ۲ سال قبل به دلیل محاصره دریایی اعمال شده از سوی نیروهای مسلح یمن تعطیل شده، تأثیری نگذاشته و این توافق احتمالاً هرگز به ازسرگیری فعالیت این بندر منجر نخواهد شد. کالکالیست نوشت، جشن‌هایی که برای اتمام جنگ گرفته می‌شوند، تغییر زیادی را در بندر ایلات که با بحرانی مزمن روبه‌رو است، ایجاد نمی‌کنند.

رسانه انگلیسی: یمن با قدرت در برابر اسرائیل ایستاده

خبر دیگر نیز آن‌که، به گزارش «مهر»، پایگاه خبری «میدل‌ایست‌آی» در گزارشی نوشت که یمن با اتخاذ موضعی قاطع و قدرتمند، توقف عملیات خود را منوط به پایبندی رژیم اسرائیل به توافقات موجود کرده است. این رسانه انگلیسی تأکید کرد که این موضع، نشانه‌ای روشن از اقتدار سیاسی و نظامی صنعا در برابر فشارهای آمریکا و تل‌آویو است. براساس گزارش میدل‌ایست‌آی، شماری از کارشناسان و تحلیلگران نظامی تأکید کردند که نیروهای یمنی در دو سال اخیر عملکردی قدرتمند و مؤثر در میدان نبرد از خود نشان داده‌اند و توانسته‌اند توازن بازدارندگی جدیدی در منطقه ایجاد کنند. این پایگاه انگلیسی در ادامه افزود که نیروهای یمنی در مقاطع مختلف، حملات دوربردی علیه اهدافی در سرزمین‌های اشغالی انجام داده‌اند که برخی از آن‌ها منجر به اختلال در بخش هوائی اسرائیل و نفوذ به سامانه‌های دفاعی آن شده است. به نوشته میدل‌ایست‌آی، تحلیلگران معتقدند یمنی‌ها موفق شده‌اند واشنگتن را وادار کنند تا در موضوع یمن، پیوند خود را با رژیم اسرائیل قطع کند، اقدامی که از دید کارشناسان، دستاوردی مهم و غیرقابل چشم‌پوشی برای صنعا است.

گفتنی است، تحولات اخیر و مواضع قاطع مقامات یمنی در برابر رژیم اسرائیل، ادامه مسیری تاریخی است که از دل سال‌ها مقاومت، محاصره و نبرد نابرابر شکل گرفته است. یمن که در گذشته به‌عنوان یکی از فقیرترین کشورهای عربی شناخته می‌شد، امروز به نمادی از استقلال سیاسی و خوداتکایی نظامی در منطقه بدل شده است. ریشه‌های این قدرت را می‌توان در دهه‌های مقاومت مردمی علیه سلطه خارجی و در مبارزه با نفوذ بیگانگان جست‌وجو کرد، مسیری که از انقلاب‌های قرن بیستم آغاز شد و در دوران معاصر با ظهور جنبش انصارالله، ساختاری منسجم و ایدئولوژیک یافت. این جنبش، برخلاف بسیاری از جریان‌های سیاسی منطقه، توانسته است از درون ساختار سنتی و مذهبی جامعه یمن، الگویی بومی از مقاومت بسازد که هم جنبه نظامی دارد و هم بعد اجتماعی و فرهنگی. ایستادگی امروز یمن در برابر اسرائیل نه یک حادثه مقطعی، بلکه نتیجه تداوم روحیه‌ای است که همواره در برابر اشغال و سلطه ایستاده است. از مقاومت تاریخی یمنی‌ها در برابر امپراتوری‌های خارجی گرفته تا مقابله با تجاوز عربستان و متحدان غربی، این کشور همواره نشان داده که فشار و محاصره نه‌تنها آن را تضعیف نمی‌کند، بلکه اراده‌اش را برای خودکفایی و استقلال تقویت می‌سازد.

چین تلافی کرد؛ صادرات ۱۲ فلز حیاتی به آمریکا ممنوع شد

سرویس خارجی-

پکن، در واکنش به تعرفه‌های سنگین واشنگتن، اعلام کرد پنج فلز جدید را به فهرست محدودیت‌های صادراتی افزوده و مجموع فلزات تحت کنترل به ۱۲ مورد رسیده است؛ این فلزات عناصر حیاتی در ساخت تراشه‌های هوش مصنوعی، جنگنده‌های F-۳۵ و... هستند.

جنگ تجاری میان آمریکا و چین، که ریشه در سیاست‌های تهاجمی دولت اول «دونالد ترامپ» در سال ۲۰۱۸ دارد، با وضع تعرفه‌های ۲۵درصدی روی واردات فولاد و ۱۰درصدی روی آلومینیوم از چین آغاز شد، اقدامی که ظاهراً برای مقابله با کسری تجاری عظیم آمریکا- که در آن سال بیش از ۴۱۹ میلیارد دلار بود- و ادعاهای سرقت مالکیت معنوی توسط چین توجیه می‌شد، اما در واقع نمادی از وحشت واشنگتن از ظهور اقتصادی پکن به عنوان رقیبی جدی بود. این تعرفه‌ها به سرعت گسترش یافت و تا پایان سال ۲۰۱۸، آمریکا تعرفه‌هایی تا ۲۵درصد روی بیش از ۲۵۰ میلیارد دلار کالای چینی اعمال کرد، در حالی که چین با تعرفه‌های تلافی‌جویانه روی ۱۱۰ میلیارد دلار کالای آمریکایی پاسخ داد، که این چرخه انتقام‌جویانه منجر به کاهش رشد اقتصادی جهانی شد و نشان‌دهنده ارزش‌های متناقض آمریکا بود که سال‌ها از تجارت آزاد با چین سود برده بود- با حجم تجارت دوجانبه که در سال ۲۰۲۴ به حدود ۶۵۹ میلیارد دلار رسید، شامل بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار واردات آمریکا از چین و حدود ۱۵۰ میلیارد دلار صادرات آمریکا به چین- اما حالا که چین در فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی و خودروهای الکتریکی پیشتاز شده، به بهانه‌های امنیتی متوسل می‌شود تا هژمونی اقتصادی‌اش را حفظ کند.

این تنش‌ها در سال‌های اخیر شدت گرفته و به نقطه‌ای رسیده که دولت ترامپ در اکتبر ۲۰۲۵ (همین ماه) اعلام کرد تعرفه‌های ۱۰۰درصدی روی واردات کالاهای چینی از اول نوامبر (۱۰ آبان) اعمال خواهد شد، اقدامی که بیش از پیش تعرفه‌های موجود را افزایش می‌دهد و کل واردات چینی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ظاهراً به دلیل اتهامات کمک چین به تجارت فنتانیل و ادامه کسری تجاری، اما در عمق، بازتاب‌دهنده ترس عمیق آمریکا از بر باد رفتنِ برتری جهانی است، جایی که چین نه‌تنها بزرگ‌ترین صادرکننده جهان شده، بلکه در زنجیره تأمین جهانی- از جمله نیمه‌رساناها و مواد معدنی حیاتی- وابستگی شدیدی ایجاد کرده که اقتصاد آمریکا را آسیب‌پذیر می‌کند. این سیاست‌های آمریکا، که حتی متحدانش را نگران کرده، نشان‌دهنده تناقض در رویکرد این کشور است: کشوری که خود دهه‌ها با یارانه‌های پنهان و سیاست‌های حمایتی صنایعش را تقویت کرده، حالا چین را به دلیل پیشرفت‌هایش متهم می‌کند و با تعرفه‌های افراطی، نه‌تنها مصرف‌کنندگان آمریکایی را با افزایش قیمت‌ها مجازات می‌کند، بلکه صلح اقتصادی جهانی را به خطر می‌اندازد، در حالی که حجم تجارت دوجانبه در سال ۲۰۲۵ همچنان بالا باقی مانده و تا نیمه سال حدود ۳۰۰ میلیارد دلار واردات آمریکا از چین را نشان می‌دهد، اما این وحشت از «تهدید چینی» بیشتر ریشه در ناتوانی آمریکا در رقابت آزاد دارد تا دلایل واقعی امنیتی.

معادنی که آمریکا از آن‌ها محروم شد!

پکن اعلام کرده پنج فلز جدید شامل هولمیوم، اربیوم، تالیوم، یوروپیوم و اتریوم به فهرست محدودیت‌های صادراتی افزوده شده و مجموع فلزات تحت کنترل به ۱۲ مورد رسیده است. پنج فلز که نامش آمد، هفت فلز دیگر شامل ساماریوم، گادولینیوم، تربیوم، دیسپروزیوم، لوتسیم، اسکاندیم و ایتریوم می‌شود. آن‌طور که «ایسنا» نوشته است، این فلزات عناصر حیاتی در ساخت تراشه‌های هوش مصنوعی، خودروهای برقی، جنگنده‌های F-۳۵ و موشک‌های تاماهاک هستند و چین حدود ۹۰درصد فرآوری جهانی آن‌ها را در اختیار دارد. کارشناسان معتقدند پکن با استفاده از «سلاح مواد معدنی» در پی توازن قدرت اقتصادی و فناورانه است؛ اقدامی که می‌تواند نظم صنعتی جهان را دگرگون کند. البته چین همچنین اعلام کرده است که قصد دارد بر کشتی‌های آمریکایی ساخت یا مالکیت آمریکا که وارد بنادر چین می‌شوند، تعرفه‌های جدیدی وضع کند.

صادرات چین سد تعرفه‌ها را شکست

خبر دیگر آن‌که با وجود تداوم تنش‌های تجاری میان پکن و واشنگتن، داده‌های رسمی نشان می‌دهد صادرات چین در ماه سپتامبر به بالاترین سطح خود در شش ماه گذشته رسیده است. آمار گمرک چین حاکی است صادرات این کشور در این ماه با رشد ۸.۳درصدی نسبت به سال قبل، به ۳۲۸.۵ میلیارد دلار افزایش یافته و از پیش‌بینی تحلیلگران فراتر رفته است. در مقابل، صادرات چین به آمریکا برای ششمین ماه پیاپی کاهش یافته و حدود ۲۷درصد افت داشته است. این کاهش پس از شکست آتش‌بس تجاری و تهدیدهای تازه دو کشور برای اعمال تعرفه‌های بالاتر رخ داده است. در ماه اوت نیز صادرات چین به آمریکا بیش از ۳۳درصد کاهش یافته بود. آن‌طور که «فارس» نوشته است، با وجود این افت در بازار آمریکا، مجموع صادرات چین در مسیر صعودی قرار دارد و رشد آن در سپتامبر بیش از دو برابر ماه پیش (۴.۴درصد) بوده است. کارشناسان می‌گویند این عملکرد نشان از انعطاف‌پذیری ساختار صادراتی چین و توان این کشور در یافتن بازارهای جایگزین دارد.

«ژیشون ه